

۱۳۸۲ / ۱۶ / ۲۰

مرکز اطلاعات آذربایجان  
موسسه اطلاعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۸۱۸۲

۱۳۸۲ / ۱۶ / ۲۰



**دانشگاه تهران**

**دانشکده حقوق و علوم سیاسی**

**پایان نامه :**

برای دریافت درجهٔ دکترای روابط بین الملل

**موضوع :**

**سازمانهای غیردولتی و جهانی شدن**

(بررسی نقش سازمانهای غیردولتی در فرایند جهانی شدن)

(۱۹۹۰-۲۰۰۰)

**استاد راهنما:**

جناب دکتر مولایی

**نگارش:**

نوذر شفیعی

۴۸۱۵۲

سال تحصیلی : ۸۱-۱۳۸۰

فرم ارزیابی رساله دکتری



دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: روابط بین الملل

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی مقنن دکتری دانشجویان دانشگاه تهران

آقای: دینوفر شفیعی به شماره دانشجویی: ۲۱۰۲۲۴۰۱۴ در رشته: روابط بین الملل

گرایش: روابط بین الملل پایان نامه خود به ارزش: ۲۲ واحد را که در نیمسال اول سال تحصیلی: ۷۶-۷۷-۱ دوم

اخذ و ثبت نام نموده بود، تحت عنوان: سازمانهای غیر دولتی و جهانی شدن

به سرپرستی (استاد راهنما): دکتر مولایی استاد مشاور: دکتر ساعی استاد مشاور دوم (حسب مورد): دکتر شیرخانی در تاریخ: ۸۱/۱۲/۲۴ در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (موفقت / عدم موفقت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیأت داوران	مرتبه علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: دکتر یوسف مولایی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: دکتر محمدعلی شیرخانی دکتر احمد ساعی	دانشیار دانشیار	" "	
۳- استاد داور: دکتر بهزاد شاهده	دانشیار	" "	
۴- استاد داور: دکتر حمیرا مشیرزاده	استادیار	" "	
۵- استاد داور یا دکتر سینکاظم سجادیپور استاد مشاور دوم دکتر هرمیداس باوند داور		دانشکده روابط بین الملل	

۱۸۵  
گروه سیاسی

ارزیابی رساله

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.

سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده

با سلام، نظریه اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خواشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی بیدول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: دکتر قاسم افتخاری

۸۳/۱۲/۲۴

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد.

تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

## چکیده

این رساله در پی پاسخ به این پرسش است که چه رابطه‌ای بین فرآیند جهانی شدن و رشد سازمانهای غیردولتی وجود دارد؟ فرضیه رساله آن است که هر چه قدر پیامدهای منفی جهانی شدن افزایش یابد، فعالیت سازمانهای غیردولتی گسترش می‌یابد و هر چه قدر فعالیت سازمانهای غیردولتی گسترش یابد، فرایند جهانی شدن دموکراتیک‌تر می‌گردد. در حقیقت نگارنده این رساله نوعی رابطه دو سویه بین جهان شدن و سازمانهای غیردولتی قائل است.

نمود تأثیرات سازمانهای غیردولتی بر فرایند جهانی شدن را در تصمیم‌گیری جهانی و نمود تأثیر جهانی شدن بر سازمانهای غیردولتی را در رشد کمی و کیفی این سازمانها مشاهده خواهیم کرد. عبارت دیگر جهانی شدن باعث رشد کمی و کیفی سازمانهای غیردولتی شده است. رشد کمی و کیفی سازمانهای غیردولتی آنها را به بازیگرانی فعال در عرصه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری جهانی مبدل ساخته بگونه‌ای که می‌توان ادعا کرد با ورود این سازمانها به عرصه تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها نیز جنبه جهانی پیدا کرده است.

خلاصه کلام اینکه به همان شکل که شرکتهای چند ملیتی بعنوان یکی از بازیگران جهانی شدن، در جهانی شدن اقتصاد مؤثرند و به همان شکل که رسانه‌ها بعنوان یکی دیگر از ابزارهای جهانی شدن در جهانی شدن فرهنگ مؤثر هستند، و... سازمانهای غیردولتی نیز در کنار تأثیرات اصلاحی و کنندگی‌های جهانی شدن می‌گذارند، در نهایت خود بعنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند جهانی شدن مطرح است. پیامد تأثیرگذاری سازمانهای غیردولتی بر فرآیند جهانی شدن چیزی است که در این رساله «جهانی شدن تصمیم‌گیری» می‌نامیم و این نکته جدیدی است که نگارنده سعی کرده است بر پژوهش‌های پیشین بیفزاید.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه ..... ۱-۱۲

### فصل اول: تعریف مفاهیم و چارچوب مفهومی

بخش اول: تعریف مفاهیم ..... ۱۴-۳۸

بخش دوم: چارچوب مفهومی ..... ۳۸-۵۰

### فصل دوم: جهانی شدن و پیامدهای آن

بخش اول: جهانی شدن ..... ۵۸-۹۴

بخش دوم: پیامدهای منفی جهانی شدن ..... ۹۴-۱۲۱

### فصل سوم: عوامل تأثیرگذار بر نقش آفرینی جامعه مدنی

بخش اول: تضعیف دولت - ملتها؛ عوامل زمینه ساز ..... ۱۲۹-۱۳۵

بخش دوم: ابزارهای جامعه مدنی؛ عوامل تسهیل کننده ..... ۱۳۵-۱۴۲

بخش سوم: روشهای جامعه مدنی؛ عوامل تقویت کننده ..... ۱۴۲-۱۵۴

بخش چهارم: الگوی مبارزاتی جامعه مدنی؛ عوامل مؤثر و عملیاتی ..... ۱۵۴-۱۶۹

### فصل چهارم: جغرافیای جدید قدرت

بخش اول: تعامل سازمانهای غیردولتی با نهادهای مهم تصمیم گیری بین المللی ..... ۱۷۷-۲۱۰

بخش دوم: جایگاه سازمانهای غیردولتی در ساختار سیاستگذاری جهانی ..... ۲۱۱-۲۱۸

نتیجه گیری ..... ۲۲۳-۲۲۹

## مقدمه

در نوامبر ۱۹۹۹ و در هنگام تشکیل اجلاس سازمان تجارت جهانی در سیاتل آمریکا حدود ۵۰ هزار نفر از کارگران، دانشجویان، انارشیستها و کمونیستها از ۷۰ کشور جهان گرد هم آمدند تا به جهانی شدن پاسخ «نه» بگویند. در همان سال، گردهمایی مشابهی در واشنگتن اتفاق افتاد و هزاران نفر در اعتراض به اجلاس صندوق بین المللی پول دست به راهپیمایی زدند. در فوریه ۱۹۹۹ و در جریان مجمع جهانی اقتصاد در داووس، تعداد زیادی از مردم به خیابانها ریختند. در سی ام ماه مه همان سال ۴۰ هزار نفر از کارگران دست به راهپیمایی زدند. در نوزدهم سپتامبر ۲۰۰۰، جنبشهای ضد جهانی شدن پنجاه و پنجمین نشست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را که در پراگ برگزار شد به باد انتقاد گرفتند. ۳۰ هزار نفر در خیابانهای پراگ دست به تظاهرات اعتراض آمیز زدند. مجموعاً دویست و شصت سازمان در بسیج این نیروها شرکت داشتند. اینها بر ضد جهانی شدن شعار می دادند. در ژانویه ۲۰۰۱ تظاهرات گسترده ای بر ضد جهانی شدن در ستول، پورتو (برزیل)، نیس (فرانسه)، کبک (کانادا) و... اتفاق افتاد. اجلاس گروه هشت که از بیست و یکم تا بیست و دوم ۲۰۰۱ در جنوا (ایتالیا) برگزار شد. با اعتراض صدها هزار نفر مواجه گردید و بالاخره در جریان اجلاس گروه هشت در سال ۲۰۰۲ در کانادا، وقایع مشابهی اتفاق افتاد.

تا پیش از این حوادث، شاید همه ما به نوعی نام شهرهای سیاتل، واشنگتن دی سی، ملبورن، بانکوک، داووس، پراک، مسکو، جنوا، تورنتو و... را شنیده بودیم اما احتمالاً هیچگاه به گستردگی چهار سال اخیر نام این شهرها را در متون و ادبیات روابط بین الملل ندیده ایم. در اغلب متون روابط

بین الملل، اقتصاد بین الملل، تجارت بین الملل، محیط زیست و... نام این شهرها معمولاً با تظاهرات و راهپیمایی های گسترده ای همراه بوده که در مخالفت با روند جهانی شدن صورت گرفته است.<sup>(۱)</sup> شهرهای یاد شده به نوعی میزبان اجلاس سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، مجمع جهانی اقتصاد، شرکای جدید برای توسعه آفریقا، منطقه آزاد تجاری آمریکا، گروه هفت و... بوده است. این نهادها بعنوان بازیگران اصلی جهانی شدن مطرح هستند.<sup>(۲)</sup> البته شرکتهای چند ملیتی نیز باید بر آنها افزوده شود. تا چند سال پیش، حداقل در سطح افکار عمومی، آشنایی چندانی با سازمانها و جریاناتی که تظاهرات ضد جهانی شدن را شکل می دادند، وجود نداشت. هنوز هم بنظر می رسد ابهاماتی در مورد ماهیت این گروهها و جریانات و نیز میزان تأثیرگذاری آنها بر تحولات بین المللی وجود دارد. ابهامات موجود می تواند حول پرسشهای زیر باشد:

- گروهها، سازمانها و جریاناتی که تظاهرات اعتراض آمیز بر ضد جهانی شدن را سازماندهی می کنند،

از نظر دسته بندی در کدام طیف قرار میگیرند؟

- این گروهها و سازمانها به نمایندگی از چه کسانی سخن می گویند؟

- چرا این سازمانها با روند جهانی شدن مخالف هستند؟

- آیا این سازمانها قبلاً نیز در عرصه بین الملل فعال بودند و یا اینکه آنها همزمان با شتاب فرایند

جهانی شدن پایه عرصه وجود گذشته اند؟

- آیا این سازمانها در مبارزه با روند جهانی شدن، دارای اهداف واحدی هستند و یا اینکه هر کدام بنا

به دلایل و انگیزه های مختلف در راهپیمایی ها حضور می یابند؟

- این سازمانها چگونه به بسیج نیرو و هماهنگی میان نیروها آنها در گستره جهانی مبادرت می ورزند؟

- منابع مالی این سازمانها کجاست؟

- آیا می توان این سازمانها را بعنوان بازیگران عرصه بین المللی بحساب آورد؟

- اگر چنین است آنها از نظر میزان تأثیرگذاری بر سیاست جهانی در کجا قرار میگیرند؟

- و ...

همین ابهامات و پرسشهای بی شمار دیگر، نگارنده را برآن داشت تا رساله دکتری خود را به پاسخ به بعضی از این پرسشها اختصاص دهد. در مطالعات مقدماتی پیرامون موضوع، متوجه شدم که واژه "سازمانهای غیردولتی" در توصیف این سازمانها بکار برده میشود.<sup>(۳)</sup> اما مساله این بود که سازمانهای غیردولتی پدیده تازه ای نیستند. آنها از مدتها پیش و حتی قبل از تأسیس سازمان ملل وجود داشته اند.<sup>(۴)</sup> بنابراین، این سؤال مطرح می شد که آیا بین سازمانهای غیردولتی که در مخالفت با روند جهانی شدن عمل می کنند و سازمانهای غیردولتی قبلی تفاوتی وجود دارد؟ با مطالعاتی که پیرامون موضوع انجام دادم، متوجه شدم که از نظر تعریف تفاوتی با یکدیگر ندارند. هر دو آنها سازمانهای غیرانتفاعی، داوطلبانه، مستقل، و دارای ریشه مردمی\* هستند.

آنچه به نظر متفاوت می رسید عبارت بودند از: اقدام مستقیم این سازمانها بجای اقدام غیرمستقیم آنها در گذشته، حضور همزمان در مکانهای مختلف (به یاری شبکه اینترنت)، کاهش هزینه فعالیتها به رغم افزایش دامنه فعالیتها، تنوع و تکثر این سازمانها بجای محدود بودن آنها در گذشته، میزان تأثیرگذاری گسترده این سازمانها بجای تأثیرگذاری اندک آنها در گذشته، و محیط بین المللی (فضای جنگ سرد در برابر فضای جهانی شدن) که در آن عمل می کردند. در میان مسائل مختلفی که وجود داشت بررسی رابطه رشد سازمانهای غیردولتی و فرایند جهانی شدن، از نظر نگارنده مهم تر بنظر می رسید. به همین دلیل سؤال اصلی رساله را به این پرسش اختصاص دادم که چه رابطه ای بین فرایند جهانی شدن و رشد سازمانهای غیردولتی وجود دارد؟ این پرسش به نوبه خود چند سؤال فرعی را به دنبال می داشت:

- سازمانهای غیردولتی چه تأثیری بر فرایند جهانی شدن می گذارند؟
  - سازمانهای غیردولتی چگونه بر فرایند جهانی شدن تأثیر می گذارند؟
  - کدام یک از ابعاد جهانی شدن، بیشتر توجه سازمانهای غیردولتی را بخود معطوف کرده است؟
- و ...

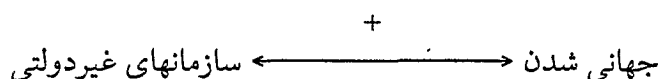
مطالعات اولیه پیرامون این پرسشها، نگارنده را بسوی این فرضیه سوق داد که: «هر چه قدر

\*- grass root



پیامدهای منفی جهانی شدن افزایش یابد، فعالیت سازمانهای غیردولتی گسترش می‌یابد و هر چه قدر فعالیت سازمانهای غیردولتی گسترش یابد، فرایند جهانی شدن دمکراتیک تر می‌گردد».

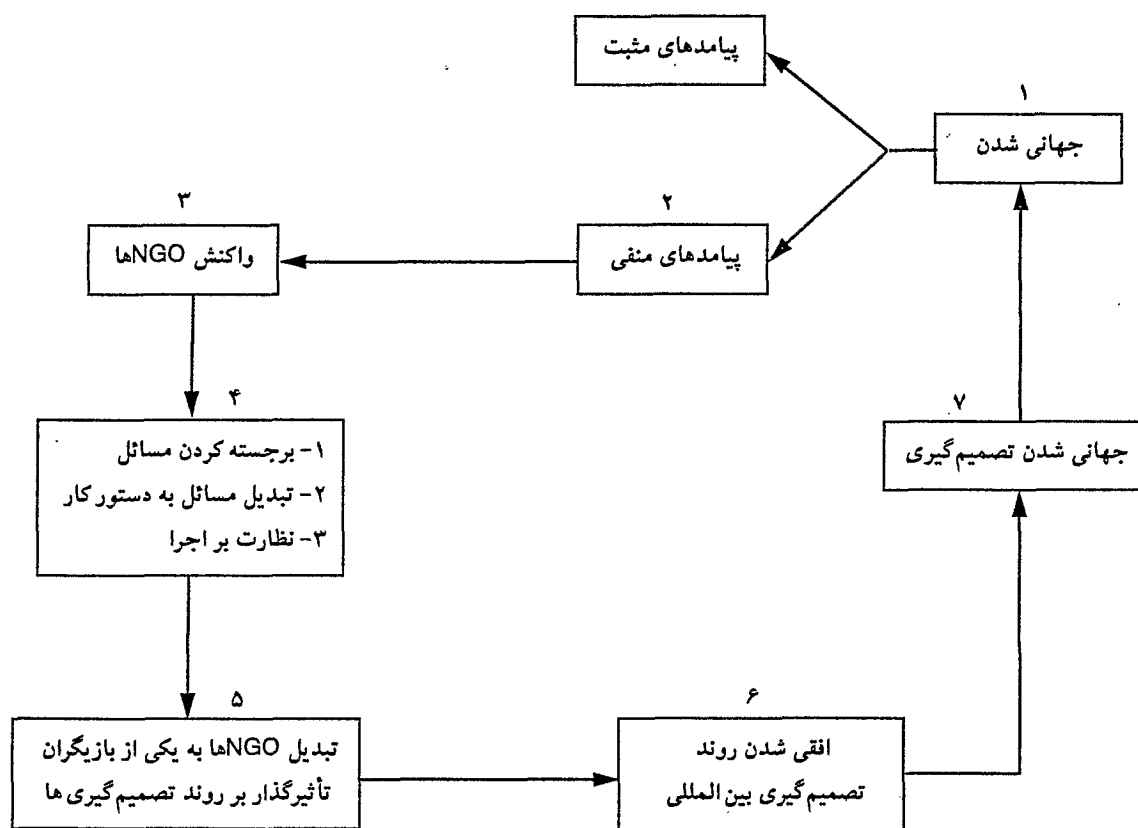
با توجه به فرضیه فوق، نوعی رابطه دو سویه میان جهانی شدن و سازمانهای غیردولتی وجود دارد. این رابطه نیز رابطه ای مثبت است.



نمود تأثیر سازمانهای غیردولتی بر فرایند جهانی شدن را در تصمیم‌گیری جهانی و نمود تأثیر جهانی شدن را بر سازمانهای غیردولتی در رشد کمی و کیفی این سازمانها مشاهده خواهیم کرد. بعبارت دیگر، جهانی شدن باعث رشد کمی و کیفی سازمانهای غیردولتی شده است. رشد کمی و کیفی سازمانهای غیردولتی آنها را به بازیگرانی فعال در عرصه تصمیم‌گیری و سیاستگذاری جهانی مبدل ساخته بگونه ای که می‌توان ادعا کرد با ورود این سازمانها به عرصه تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها نیز جنبه جهانی پیدا کرده است. این چیزی است که ما از آن بعنوان "جهانی شدن تصمیم‌گیری" و یا "جهانی شدن از پائین" یاد می‌کنیم. جهانی شدن از پائین در مقابل جهانی شدن از بالا قرار دارد. نیروی محرکه جهانی شدن از بالا عبارتند از: گروه ۸ کشور صنعتی، شرکتهای چند ملیتی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و... نیروی محرکه جهانی شدن از پایین نیز عبارتند از: اتحادیه‌های کشاورزی، جنبشهای کارگری، جنبشهای زنان، جنبش مصرف‌کنندگان، جنبشهای دانشجویی، جنبشهای زیست محیطی، جنبشهای صلح طلب و... در حالی که جهانی شدن از بالا در پی جهانی شدن تولید، بازارها و مالیه است جهانی شدن از پائین خواهان افزایش حقوق و دستمزدها، ارتقای حقوق بشر، حقوق اجتماعی و زیست محیطی، دمکراتیزه شدن نهادهای جهانی و محلی، کاهش فاصله بین ثروتمندان و قدرتمندان از یکطرف و فقرا و ضعفا از سوی دیگر در سطح جهان، توسعه پایدار و... هستند. در حقیقت، در این رساله می‌خواهیم به اینجا برسیم که به همان شکل که شرکتهای چند ملیتی بعنوان یکی از بازیگران جهانی شدن، در جهانی شدن اقتصاد مؤثرند و به همان شکل که رسانه بعنوان یکی دیگر از ابزارهای جهانی شدن در جهانی شدن فرهنگ مؤثر است و...

سازمانهای غیردولتی نیز به رغم تأثیر اصلاحی و کند کننده ای که بر فرایند جهانی شدن می گذارند در نهایت خود بعنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند جهانی شدن مطرح است. پیامد تأثیرگذاری سازمانهای غیردولتی بر فرایند جهانی شدن چیزی است که در این پژوهش "جهانی شدن تصمیم گیری" می نامیم و این نکته جدیدی است که نگارنده سعی کرده است بر نتایج پژوهشهای دیگری که پیرامون جهانی شدن صورت گرفته بیفزاید. نگارنده بر این باور است که تا قبل از ورود سازمانهای غیردولتی به عرصه جهانی شدن، تصمیم گیریها جنبه ملی و بین المللی داشت. یعنی در همه تصمیمات نقش دولتها بر جسته بود. شکل گیری سازمانهای دولتی بعنوان یک هویت سیاسی جدید اگر چه میزان تأثیرگذاری دولتها را بر عرصه های تصمیم گیری کاهش داد اما این سازمانها نیز در نهایت مکانی برای حضور نمایندگان دولتها بود. ورود شرکتهای چند ملیتی به عرصه تصمیم گیری ها به نوبه خود نقش دولتها را در عرصه تصمیم گیری ها بین المللی کاهش داد اما این شرکتهای نیز به رغم چند ملیتی بودن، در نهایت از دولتهای متبوع خود تأثیر پذیرفته، به زبان توده مردم عمل می کردند. با ورود سازمانهای غیردولتی به عرصه تصمیم گیری ها، دامنه میزان تأثیرگذاری دولتها و شرکتهای بر تحولات بین المللی کاهش می یابد زیرا بازیگر جدیدی با خواسته های جدید وارد میدان می شود. این بازیگر جدید مدعی است که صدای مردم است و به نمایندگی از مردم سخن می گوید.<sup>(۵)</sup> اگر چنین ادعایی را بپذیریم آنگاه مشاهده خواهیم کرد که از طریق کانال سازمانهای غیردولتی، مردم نیز در تصمیم گیری ها سهیم شده اند. این بدان معنی است که کمتر تصمیم گیری کلانی وجود خواهد داشت که انعکاس صدای مردم را در آن مشاهده نکنیم. البته هنوز در ابتدای راه هستیم اما اگر به تظاهرات ضد جنگ (جنگ آمریکا علیه عراق) که در بهمن ماه ۱۳۸۱ در ۱۶۵ کشور جهان اتفاق افتاد و در آن میلیونها نفر شرکت کردند دقت کنیم، خواهیم دید که اوضاع جهانی به نفع افکار عمومی و سازمانهای غیردولتی در حال دگرگون شدن است. انعکاس صدای مردم در تصمیم گیری ها موجب می شود تصمیم گیریها از حالت عمودی (مشارکت دولتها، سازمانهای دولتی و شرکتهای چند ملیتی) خارج، شکل افقی بخود گیرد (سازمانهای غیردولتی بعنوان نمایندگان افکار عمومی نیز در تصمیم گیریها سهیم می شوند).

البته در اینکه آیا واقعاً سازمانهای غیردولتی نمایندگان واقعی افکار عمومی بحساب می آیند یا خیر بحث های زیادی وجود دارد. ما هم در اینجا نمی خواهیم این دیدگاه را بی چون و چرا بپذیریم اما سعی داریم با دیدی خوشبینانه به موضوع (مثبت قلمداد کردن نقش سازمانهای غیردولتی) فضای جدیدی را که بواسطه حضور این نیروها در عرصه بین المللی حادث شده است، ترسیم کنیم. نمودار زیر، مسیر حرکت پژوهش ما را در راستای فرضیه ارائه شده مشخص می کند.



نمودار شماره (۱): فرایند اثبات فرضیه

حال به تعریف مفاهیم کلیدی فرضیه می پردازیم. در فرضیه ارائه شده، سه مفهوم اصلی وجود

دارد:

۱- سازمانهای غیر دولتی: در این رساله، منظور از سازمانهای غیر دولتی بین المللی آن دسته از

سازمانهایی هستند که دارای پنج ویژگی اساسی باشند:

الف - دارای ریشه مردمی باشند.

ب - غیر سودجود باشند.

ج - عضویت در آنها داوطلبانه باشند

د - از نظر سیاسی و اقتصادی مستقل باشند.

ه - در سطح بین المللی عمل نمایند.

سازمانهای زیر نمونه هایی از سازمانهای غیر دولتی بین المللی با مشخصات فوق بحساب

می آیند:

- |  |                                    |
|--|------------------------------------|
| ۱- پنجاه سال کافی است  | ۸- انجمن روزنامه نگاران            |
| ۲- دوستان کره زمین   | ۹- پزشکان بدون مرز                 |
| ۳- مراقبت از روند جهانی شدن                                    | ۱۰- جنبش ضد تبعیض نژادی            |
| ۴- سازمان شهروندان جهانی                                       | ۱۱- اتحادیه حقوق دانان عرب         |
| ۵- اتحادیه بین المللی زنان                                     | ۱۲- سازمان عربی حقوق بشر           |
| ۶- انجمن بین المللی آزادی مذهبی                                | ۱۳- بنیاد جلوگیری از جرم در آسیا   |
| ۷- انجمن بین المللی سربازان صلح                                | ۱۴- جنبش بین المللی دفاع از کودکان |
| ۱۵- کنفرانس بین المللی اتحادیه های تجارت آزاد ۱۵- جوبیلیو ۲۰۰۰ |                                    |
| ۱۶- شورای بین المللی رفاه اجتماعی                              | ۲۶- جمعیت دفاع از محیط زیست        |
| ۱۷- فدراسیون بین المللی کشاورزان                               | ۲۷- صلح سبز                        |
| ۱۸- سازمان بین المللی اتحادیه مصرف کنندگان                     | ۲۸- دیدبان حقوق بشر                |
| ۱۹- سازمان بین المللی نجات کودکان                              | ۲۹- اتحادیه بین المللی دانشجویان   |
| ۲۰- جامعه جهانی مسلمانان                                       | ۳۰- جنبش اقدام برای صلح            |
| ۲۱- جامعه توسعه اطلاعاتی                                       | ۳۱- جمعیت اقدام برای توسعه         |
| ۲۲- کنفدراسیون جهانی کار                                       | ۳۲- صلیب سرخ بین المللی            |
| ۲۳- عفو بین الملل  | ۳۳- جمعیت کمک به مستمندان          |
| ۲۴- انجمن قلم  | ۳۴- و...                           |

از این پس ما سازمانهای غیردولتی را نهادهای جامعه مدنی نیز می خوانیم درباره چرایی مساله، در بخش تعریف مفاهیم توضیح خواهیم داد. علاوه بر این سازمانهای غیردولتی دارای کارکردهای مثبت و منفی هستند. در این پژوهش سعی شده است با نگاهی خوشبینانه به آنها نگریده شود.

۲- جهانی شدن: «جهانی شدن به فرایندی اشاره دارد که بوسیله آن روابط اجتماعی کیفیتی "بدون مرز" و "بدون زمان" بخود میگرد بگونه ای که زندگی بشری در جهان بعنوان مکانی واحد\* شکل گرفته و انسجام می یابد. در اینجا منظور از روابط اجتماعی، شیوه های پیچیده و بی شماری است که جلوه های گوناگون تعامل مردم با یکدیگر را به نمایش می گذارد. جهانی شدن دارای ابعاد مختلف و پیامدهای مثبت و منفی بسیاری است»

تعریفی که از جهانی شدن ارائه دادیم تعریفی انتزاعی است و باید برای فهم بهتر موضوع آن را به تعریف انضمامی تبدیل کرد. این کار را ما براساس جدول زیر انجام می دهیم.

جدول شماره (۱): ابعاد جهانی شدن و مفاهیم انضمامی آن

ابعاد جهانی شدن	مفاهیم انضمامی جهانی شدن
ارتباطاتی	شبکه های کامپیوتری، تلفن، رسانه های جمعی الکترونیکی، اینترنت، ماهواره، روزنامه های جهانی و....
سازمانی	کمپانی ها، شرکتها، انجمنها، شبکه های سازمانی برون مرزی مثل عفو بین الملل، مالکیت معنوی و....
اکولوژیکی	گرم شدن کره زمین، سوراخ شدن لایه اوزون، تخریب منابع طبیعی، گازهای گلخانه ای، بارانهای اسیدی و...
تولیدی	کارخانه های جهانی، میکروالکترونیک، ماکروالکترونیک، پردازش مواد، آماده سازی اجزاء، کنترل و کیفیت در بیش از دو کشور
فکری	افزایش خود آگاهی ها، تشابه و نزدیکی اندیشه ها، شهروندان جهانی
مالی	جهانی شدن سرمایه، بازارهای ذخیره ارزی جهانی، پول واحد جهانی و...

\*- Single Place

افزایش حجم مبادلات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جریان آزاد نیروی کار، الگوی مصرف مشابه، خصوصی سازی و...	اقتصادی
موشک‌های قاره پیمای، هواپیماهای مافوق صوت، ماهواره‌های تجسسی، جنگ الکترونیک و...	نظامی
حقوق بشر، دموکراسی، کنترل جمعیت، حقوق بین الملل، حفظ محیط زیست و...	نرم‌ها و قواعد
دولتها، سازمانهای بین المللی، سازمانهای غیر دولتی، شرکتهای چند ملیتی و...	تصمیم‌گیری

جدول مذکور، فقط گوشه‌های اندکی از ابعاد جهانی شدن با زیر مجموعه‌های هر یک از آنها را به نمایش می‌گذارد. واقعیت این است که جهانی شدن دارای ابعاد بسیار گسترده‌ای است که تقلیل آن به یک یا چند مساله خالی از واقع‌نگری است. بعد تصمیم‌گیری را نگارنده این رساله بعنوان یکی از ابعاد جهانی شدن که در پژوهشهای دیگر کمتر به آن پرداخته شد، اضافه نموده است. بدین ترتیب اگر بخواهیم رابطه میان متغیرها را بصورت "اگر..... پس" بیان کنیم خواهیم داشت:

پیامدهای منفی جهانی شدن  $\leftarrow$   $+$  رشد کمی و کیفی سازمانهای غیردولتی  
 رشد کمی و کیفی سازمانهای غیردولتی  $\leftarrow$   $+$  جهانی شدن تصمیم‌گیری

رابطه میان دو متغیر رابطه‌ای مثبت است. یعنی در صورت غیاب سازمانهای غیردولتی بین المللی در عرصه تصمیم‌گیری جهانی هم از تعدد و تنوع تصمیم‌گیرندگان کاسته خواهد شد و هم موضوعات و مولفه‌هایی که درباره آنها تصمیم‌گیری خواهد شد به موضوعات و مؤلفه‌های کمتری تقلیل می‌یابد. فراموش نکنیم که یکی از کارکردهای مهم سازمانهای غیردولتی بین المللی برجسته کردن آن دسته از مسائلی است که بویژه در عصر جهانی شدن حادث شده و دولتها یا شرکتهای چند ملیتی خواسته یا ناخواسته در مقابل آنها عکس‌العملی نشان نداده‌اند. سازمانهای غیردولتی بین المللی این مسائل را برجسته می‌کنند و در دستور کار گردهمایی‌ها و نهادهای تصمیم‌گیری بین المللی قرار می‌دهند.

۳- تصمیم‌گیری جهانی: منظور از تصمیم‌گیری جهانی اتخاذ خط‌مشی‌های کلان‌سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، امنیتی و... در سطح جهان بوسیله دولت‌ها، شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌ها و سایر نهادهای بین‌المللی می‌باشد بگونه‌ای که این خط‌مشی‌ها کل و یا بخشی از حوزه زندگی بشری را تحت تأثیر قرار دهد. تدوین استانداردهای زیست‌محیطی از جمله پروتکل مونترال، کنوانسیون بال، دستور کار ۲۱ و... ترویج دموکراسی بر ضد تمایلات فزاینده ضد دموکراتیک از جمله شفاف‌سازی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نهادهای مهم بین‌المللی و حتی حکومت‌های ملی و... انعقاد موافقتنامه‌های چندجانبه برای تنظیم مناسبات تجاری بین‌المللی و یا تصویب مقررات و قواعد کنترلی بین‌المللی به منظور نظارت بر عملکرد تجارت بین‌المللی و... همه و همه جزو مباحث مربوط به تصمیم‌گیری جهانی هستند و سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی در آن ایفا می‌کنند.

در این رساله، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی متغیر مستقل، تصمیم‌گیری بین‌المللی متغیر میانی و جهانی شدن متغیر وابسته محسوب می‌شوند. بنابراین، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی از طریق تأثیری که بر فرایند سیاستگذاری جهانی می‌گذارند باعث می‌شوند تا تصمیم‌گیری در مورد مسائل بین‌المللی (تصمیماتی که توسط نهادهای بین‌المللی اتخاذ می‌شود) از حالت عمومی خارج، شکل افقی بخودگیرد. منظور این است که قبل از فعال شدن سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی تصمیمات بین‌المللی عمدتاً توسط نهادهایی اتخاذ می‌شد که به نوعی تحت تأثیر دولت‌ها یا شرکت‌ها قرار داشتند. اکنون با ورود جدی سازمان‌های غیردولتی به عرصه بین‌المللی، تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها از انحصار نهادهای دولتی و شرکتی خارج شده، و از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی نیز تأثیر می‌پذیرند. این موضوع از آن نظر حائز اهمیت است که سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی معتقدند که به نیابت از مردم در مقابل بخش‌های سیاسی (حکومت‌ها) و اقتصادی (شرکت‌ها) سخن می‌گویند. بعبارت دیگر، ورود آنها به عرصه تصمیم‌گیری‌ها، به معنی ورود و حضور مردم در این عرصه‌هاست. اگر این استدلال را بپذیریم، باید قبول کرد که به موازات جهانی شدن در عرصه‌های اقتصاد، فرهنگ، و... تصمیم‌گیری و سیاستگذاری در خصوص مسائل مهم و مختلف بین‌المللی نیز جنبه جهانی بخود گرفته است.

روشی را که نگارنده برای سنجش فرضیه این پژوهش بکار برده است، روش اثباتی است. در این روش سعی خواهیم کرد مفاهیم انتزاعی موجود در فرضیه را به مفاهیم انضمامی قابل مشاهده و سپس